

آثار فقهی و حقوقی توبه در قانون جمهوری اسلامی ایران

مجتبی رئیسی^۱، علی طاهری دهنوی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده اصول دین قم

^۲ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول :

مجتبی رئیسی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۱۳-۱

چکیده

توجه به مبحث توبه به صورت کلی چه از منظر کلام و چه از منظر فلسفه نباید ما را از توجه به مباحث حقوقی و فقهی توبه باز دارد. اهمیت توبه آنجا نمود بیشتری پیدا می‌کند که آیات الاحکام فقهی توبه، مستخرج شده به صورت موازی با فقه الحدیث توبه و هم از منظر حقوق جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد. بررسی توبه در مباحث کلامی با گستره فراوانش در حق الله، حق الناس و حق النفس و حقوق مرتبط با سایر موجودات به اهمیت بررسی این موضوع می‌افزاید. توبه بزرگ‌ترین مرکز ثقل سیر الی الله است و این تکلیف هر بنده‌ی مومنی است که بداند در مواجهه با معاصی و خطاها و بی‌قانونی‌ها چگونه رفتار نماید و مصادیق آن را بشناسد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و درصدد پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل؛ «آیات فقهی توبه کدام‌اند؟ و برداشت فقهی از آنها چیست؟»، «موضع قوانین جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی توبه چیست؟» و... می‌باشد. توبه در قوانین مورد توجه بوده و در صورتی که مرتکب جرم در برخی از جرایم قبل از اثبات در دادگاه توبه نماید از او پذیرفته است، در آیات و روایات نیز بحث توبه به عنوان راه بازگشت فرد خاطی به سوی خدا از تمامی گناهان عنوان شده و مورد توجه شارع بوده است.

کلید واژه: توبه، فقه، حقوق، آیات، روایات

مقدمه

درباره‌ی توبه باید این نکته را یادآور شد که توبه یکی از ابداعات شارع است تا انسان ممکن الخطا را که به اشتباه گفته می‌شود جایز الخطاست به سمت خدا ارجاع دهد و راه جبرانی باشد بر اشتباهات، قصورات، خطاها، فراموشی‌ها و هر چه که در دایره‌ی معاصی و عدم امتثال فرمان الهی قرار دارد. خداوند این اصل را مطابق با صفت رحمانیت و ستار العیوب بودن خود وضع نموده است. شخصی که مومن است باید این مهم را تشخیص داده و مصادیق آن را از هم تمیز دهد و تکلیف خود را در امتثال امر الهی بداند بنابراین دلیل اهمیت این موضوع روشن است. درباره‌ی پیشینه‌ی تحقیق باید گفت کتب و مقالات متعددی در زمینه‌ی موضوع توبه با محوریت کلام نوشته شده است و همچنین به صورت مجزا بحث توبه در قانون ذکر شده است اما بررسی موازی و هم پای موضوع توبه در فقه، آیات، روایات و حقوق کمتر کار شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل این؛ «آیات فقهی توبه کدام‌اند؟ و برداشت فقهی از آنها چیست؟»، «قوانین جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی توبه چه گفته‌اند؟»، «شرایط پذیرش توبه چیست؟» می‌باشد.

(۱) توبه در لغت و اصطلاح

توبه از ماده «توب» به معنای «رجع» (بازگشت) است. ابن فارس می‌نویسد: «توب با تاء و واو با باء، کلمه واحدی است که به معنای رجوع و بازگشت است، گفته می‌شود که از گناهش توبه کرد، یعنی از گناه و عصیان بازگشت، یعنی بنده گناهکار با توبه به خدا رجوع می‌کند» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۳۷۵). ابن منظور نیز می‌نویسد: «توبه به معنای بازگشت از گناه است و بازگشت به خدا، به خدا برمی‌گردد، بازگشتنی، یعنی از عصیان و نافرمانی به اطاعت از خدا برمی‌گردد... و بازگشت خدا به او، یعنی خداوند در رحمتش را به روی وی گشود و او را موفق به بازگشت (توبه) نمود و خداوند بسیار توبه پذیر و بخشنده است، از این رو توبه، توبه خدا و نیز توبه بنده را شامل می‌شود. اما در بازگشت انسان به خدا، توبه با «من» می‌آید، تاب من ذنبه به معنای رجوع عن ذنبه و در توبه و بازگشت خدا به بنده‌اش با «علی» می‌آید تاب الله علیه: یعنی رجوع الیه بالرحمة» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۶/ ۲). در روایات به صور گوناگون از توبه سخن به میان آمده، در برخی از آنها توبه با «پشیمانی» (ندامت) هم معنی دانسته شده، مثلاً پیامبر (ص) فرموده‌اند: «لَا تَدْمُ تَوْبَةً». پشیمانی از گناه، خود، توبه از گناه است (بحرانی، ۱۳۸۴: ۹)، همچنین علی (ع) فرموده‌اند: «إِنَّ النَّدَمَ عَلَى الشَّرِّ يَدْعُو إِلَى تَرْكِهِ». پشیمانی از کار بد، خود باعث ترک آن خواهد شد (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۵۹/۴). در برخی از روایات علاوه بر عنصر «ندامت» از عناصر ضروری دیگری برای تحقق توبه، همچون؛ استغفار با زبان، ترک عملی کار بد و تصمیم به عدم بازگشت به گناه سخن به میان آمده، چنان که علی (ع) فرموده‌اند: «التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ تَرْكُ الْجَوَارِحِ، وَ إِصْمَارٌ أَنْ لَا يَعُودَ». توبه عبارت است از: پشیمانی در دل، استغفار با زبان، ترک گناه در عمل و تصمیم بر عدم ارتکاب مجدد آن (آمدی، ۱۴۲۰ق: ۳۹). با توجه به روایات یاد شده، در فقه نیز تعاریف گوناگونی از توبه شده است، مثلاً مقدس اردبیلی گفته است: «التَّوْبَةُ هِيَ النَّدَامَةُ وَالْعَزْمُ عَلَى عَدَمِ الْفِعْلِ لِكُنْ الْذَنْبِ قَبِيحاً مَمْنُوعاً وَ امْتِثَالاً لِأَمْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يَكُنْ غَيْرَ ذَلِكَ مَقْصُوداً: توبه عبارت است از پشیمانی و تصمیم بر انجام ندادن گناه، زیرا گناه، قبیح و ممنوع بوده و توبه برای امتثال امر خداوند صورت می‌گیرد و چیزی غیر از این در توبه مورد نظر نیست» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۲/ ۳۲۱). از تعریف مزبور برمی‌آید که: ۱- پشیمانی و ندامت توبه است. ۲- عدم فعل و انجام گناه باید به خاطر قبح شرعی آن باشد. در توضیح قیود مزبور باید گفت که عدم الفعل گاهی به خاطر عدم توانایی بر انجام آن است و گاهی به خاطر ممنوع و قبیح بودن آن است. بنابراین مجرد «عدم فعل و پشیمانی» توبه نیست. مثلاً: کسی در اثر ارتکاب زنا مبتلا به بیماری‌هایی شود که مانع تولید مثل و بچه‌دار شدن او می‌شود، حال اگر شخص مرتکب به خاطر بچه‌دار نشدن از عمل ارتكابی خود پشیمان شود، این پشیمانی توبه نیست، زیرا پشیمانی او به خاطر قبح شرعی عمل نمی‌باشد، از همین رو برخی از فقها درباره فردی که شرب خمر را به خاطر سلامتی خودش ترک کرده گفته‌اند: «این توبه معصیت دیگری است» (گلپایگانی، ۱۴۰۵ق: ۲۱۵). واژه «التَّائِب» درباره توبه‌پذیر و توبه‌کننده هر دو به کار می‌رود، پس بنده، تائبی به سوی خداست و خداوند هم تائب بر بنده خویش است. «التَّوَّاب» هم زیاد توبه کننده است یعنی هر زمانی از پاره‌ای از گناهان به ترتیب توبه می‌کند تا اینکه همه آنها را ترک کند و همین واژه یعنی تَوَّاب درباره خداوند نیز به کار می‌رود زیرا خدای نیز در هر حالی بعد از حال دیگر پذیرنده توبه زیاد و پیاپی بندگان است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۵۰/۱). توبه اخص از پشیمانی است و آن این است که پشیمان شوی از چیزی بدون اعتقاد بر قبح آن پس هر توبه‌ای پشیمانی است ولی هر پشیمانی توبه نیست (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۲۹).

۲) توبه از منظر فقه

در تعاریف توبه آمده است: توبه یعنی اظهار ندامت برای گناهی که به اجرای آن مقرر هستی، پس همه‌ی توبه پشیمانی است نه بر عکس، توبه بازگشت از معصیت به سمت خداست، انابت یعنی بازگشت از همه چیز به سمت خداست (مصطفوی، ۱۳۶۸/۱: ۳۹۹). توبه به منزله صفا و نورانیت روان از قذارت خودخواهی است و نیز از قذارت خاطرات نفسانی و گناهان (حسینی همدانی نجفی، ۱۳۶۳/۲: ۴۵۸). توبه راهی است که از آن راه آدمی گذشته را جبران می‌کند و به وسیله آن می‌تواند از راه گمراهی و نافرمانی به راه هدایت و اطاعت از خدای بزرگ درآید و از دوری خدا به نزدیکی به خدا برسد و بدین وسیله سعادت‌مند شود و در زمره کسانی درآید که کارهای نیک و شایسته می‌کنند و به صالحان ملحق می‌شوند. همچنین انسان تائب، از راه توبه و بازگشت، از عضوی زبان‌رسان به خود و جامعه به عضوی سودمند و سودرسان بدل می‌گردد (حکیمی، ۱۳۸۰: ۷۷۲/۱). لازمه توبه حقیقی اینست که بار دیگر قصد بجا آوردن آن امر که از آن توبه می‌کند نداشته باشد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۵/ ۲۳۸).

در منابع فقهی، در ابواب ارتداد، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات احکام پراکنده‌ای درباره توبه آمده است. همچنین در معدودی از منابع فقهی بحث توبه به صورت جداگانه مطرح شده، که برخی از آن‌ها با مباحث مطرح شده در کلام مشترک است، از جمله تعریف توبه و بیان ماهیت آن، شروط و لوازم توبه، مشروط نبودن صحت توبه به توانایی بر تکرار معصیت، جواز توبه از برخی گناهان، جواز تجدید توبه در صورت تکرار گناه و استحباب تجدید توبه به هنگام یادآوری گناه سابق، حکم عقلی وجوب فوری توبه، بنا بر حکم عقل به تأخیر انداختن توبه جایز نیست، چون ممکن است قبل از آن که موفق به توبه شود مرگش فرا رسد و به عقوبت گناهی که مرتکب شده مبتلا شود (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۷/ ۳۱۳). در فقه علاوه بر پشیمانی شخص از جرمی که انجام داده و تصمیم وی به عدم بازگشت به جرم از عنصر دیگری برای تحقق توبه سخن به میان آمده که عبارت است از تصمیم مجرم به آمدن نزد امام و اعتراف نمودن به جرمش نزد امام سخن به میان آمده، مثلاً شیخ طوسی در تعریف توبه گفته است: «توبه عبارت است از پشیمانی از آنچه شخص بر آن بوده و تصمیم وی به عدم بازگشت به جرم و نیز تصمیم به آن که نزد امام آمده و در نزد وی به گناه خویش اعتراف کند تا آن که امام بر وی حد را جاری سازد» (طوسی، ۱۳۷۸: ۸/ ۱۷۸). درباره‌ی گناهانی همچون غیبت و توبه از آنها گفته شده که توبه به تنهایی موجب رهایی غیبت کننده از تبعات گناه غیبت نمی‌شود. دیدگاه مقابل آن، کفایت توبه و عدم وجوب درخواست حلالیت است. بنابر این دیدگاه، بر اثر غیبت حقی برای غیبت شونده ایجاد نمی‌شود، هرچند مستحب است غیبت کننده از او حلالیت بطلبد. برخی گفته‌اند: وجوب حلالیت طلبیدن - بنابر قول به وجوب آن نه از جهت ثبوت حقی برای غیبت شونده، بلکه حکمی از جانب شارع است که به جهت هتک آبروی غیبت شونده و ستمی که به او رفته، شارع آن را بر غیبت کننده واجب کرده است. بنابر قول به ثبوت حق غیبت به معنای خاص آن، که در برابر حکم است، حق یاد شده از حقوقی شمرده شده که از جانب صاحب حق (غیبت شونده) قابل اسقاط است، لیکن قابل نقل و انتقال به دیگری نیست (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳/ ۳۳۸).

درباره‌ی توبه در سقوط حدچنین نقل شده است که بنابر مشهور، بلکه اجماع ادعا شده، توبه کردن بزهکار پیش از اقامه بینه موجب سقوط حد از او می‌گردد، بر خلاف توبه بعد از اقامه بینه و یا بعد از اقرار. البته در فرض دوم (توبه بعد از اقرار) بنابر مشهور امام بین عفو و اقامه حد مخیر است. برخی در فرض اقرار، مطلقاً برای امام قائل به تخییر شده‌اند؛ هرچند مجرم توبه نکرده باشد. همچنین انکار بعد از اقرار به سبب حد رجم، موجب سقوط حد می‌گردد و انکار در غیر آن از سایر حدود بنابر مشهور موجب سقوط حد نمی‌شود. عارض شدن دیوانگی و ارتداد موجب سقوط حد نمی‌گردد (همان، ۲۵۶).

توبه از منظر فقهی در چند باب مورد توجه قرار می‌گیرد: الف) توبه از منظر آیات قرآن، ب) توبه از منظر روایات، ج) توبه از منظر کلام و نظرات مختلف.

۲-۱) توبه از منظر آیات قرآن

در قرآن آیاتی مربوط به توبه وجود دارد که از آنها احکام فقهی استنباط شده؛ آن آیات را می‌توان به شکل ذیل مورد بررسی قرار داد:

۲-۱-۱) لزوم توبه مجرم

(۱) - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» (التحريم: ۸) از آنجا که فعل «توبوا» فعل امر است و از سویی امر حقیقت در وجوب است، از این رو می‌توان وجوب توبه را از این آیه نتیجه گرفت، از سویی از آنجا که توبه دفع ضرر می‌کند، عقل و نقل به وجوب فوری آن حکم می‌کنند.

(۲) - «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا - يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخُلُدْ فِيهِ مُهَانًا - إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا - وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا.» (الفرقان: ۶۸-۷۱) آنها کسانی هستند که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند و

انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده جز به حق به قتل نمی‌رسانند و زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند مجازاتش را خواهد دید. چنین کسی عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و با خواری همیشه در آن خواهد ماند. مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد که خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می‌کند و خداوند آمرزنده و مهربان است و کسی که توبه کند و عمل صالح بجا آورد به سوی خدا بازگشت می‌کند. از جمله‌ی «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ» بر می‌آید که آیه تخصیص خورده برای کافران است؛ از کلمه‌ی ایمان که بعد از توبه آمده بر می‌آید که منظور آیه از توبه برای اهل کفر است و رفع عذاب از ایشان را بر توبه و ایمان و عمل صالح مبتنی دانسته که هر کدام لازم و ملزوم دیگری هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۳۱/۸). در تأیید آنچه گذشت بحرانی گفته است: «شرط صحت توبه ایمان، عمل صالح و هدایت است» (شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۷۷/۵). آیت الله شیرازی نیز گفته‌اند: «خداوند عذاب نکردن و رفع عذاب را دوست می‌دارد تا اینکه کسی را مجازات یا عذاب کند. طبق این دو قسمت از آیات «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ» و «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» خداوند رفت و گذشت خود را به درجه اعلا رسانده و شرط گذشت را توبه، ایمان و عمل صالح دانسته و بیان می‌دارد در صورت ادای شرط از طرف بنده، خدا نیز سیئات او را به حسنات تبدیل می‌کند که بیانگر اوج رحمت و بخشایش خداوندی نسبت به بنده‌اش است (شیرازی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۷/۳). بر اساس دیدگاهی دیگر، با توجه به جمله «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ» آیه به توبه مؤمنان اختصاص ندارد، بلکه توبه عام است و همه گناهان و همه‌ی افراد، اعم از مؤمنان و مشرکان را شامل می‌شود، گرچه در بخش بعدی تحریکی بر مشرکین دارد که توبه کنند و ایمان بیاورند، اما آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳) توبه را بسط داده و همه‌ی گناهان، از جمله کفر، شرک، نفاق، قتل و... را مشمول توبه دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۷۴/۵). جمله «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ» عام بوده و توبه‌ی کسی که مشهور به زنا می‌باشد را در بر گرفته و آن را جایز می‌داند (ایروانی، ۱۴۲۷ق: ۳۲۶/۲). برخی از فقها با استناد به آیات «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»، «فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا فَاعْرِضُوا عَنْهُمَا» (نسا: ۱۶) اگر ایشان توبه کرده و خود را اصلاح کنند از آنان اعراض کرده و مجازاتشان نکنید و «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» (مائده: ۴۳) گفته‌اند اگر سارق، پس از ظلم و جرم توبه نموده و عمل صالح انجام دهد، خداوند از او در می‌گذرد (شوشتری، ۱۴۲۷ق: ۱۳۶/۲). با توجه به جمله «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» اگر زن زناکار توبه کند، ازدواج با وی جایز است. حکم مزبور با روایاتی، مانند «أَنَّ التَّائِبَ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۳۵/۲) و مشابه آن تأیید می‌گردد (خویی، ۱۴۱۸ق: ۲۱۷/۳۲). در تأیید آنچه گذشت، شیخ صدوق گفته: «این آیه درباره زنا وارد شده و مرد و زن زناکار را مورد خطاب قرار می‌دهد» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۵۶۴/۳).

۲-۱-۲) پذیرش توبه مجرم پیش از اثبات جرمش

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۸۹) مگر کسانی که بعد از این سوابق توبه کنند و به اصلاح و صلاح در آیند. با توجه به آیه مزبور اگر مجرم خالصانه توبه کند، یعنی توبه وی صرف ادعا نباشد، بلکه توبه‌ای باشد که گذشته‌اش را جبران نموده و باطنش را پاک سازد، به عبارتی اگر توبه نصوح کند، خداوند خطای وی را می‌بخشد؛ از سویی آیه مزبور می‌رساند که توبه مجرم در صورتی رافع مجازات وی است که پیش از اثبات جرمش، صورت گیرد.

بررسی و نظر

جمله «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در پایان آیه نشانگر پذیرش توبه مجرم بین خود و خدای خود می‌باشد، در این صورت استفاده حکم مورد اشاره به این آیه اختصاص ندارد، بلکه از آیات ۷۰ و ۷۱ سوره الفرقان که پیش از این به آنها اشاره رفت، نیز استفاده چنین حکمی ممکن است.

۲-۱-۳) تخفیف مجازات مجرم در صورت توبه

خداوند تخفیف مجازات مجرم را مهم دانسته و پیش از تنبیه و مجازات مجرم همه‌ی راه‌ها را بر او بسته و دری از رحمت خود گشوده و در مجازاتش تخفیف قائل شده است، در این باره می‌توان به آیه زیر اشاره نمود: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (القصص: ۶۷) اما کسی که توبه کرد و ایمان آورد و عمل صالح به جا آورد امید آن هست که از رستگاران باشد. طبق این آیه خداوند فرصت دوباره‌ای برای توبه داده است و خطاکاران را در صورت توبه و انجام عمل صالح مژده امید به رستگاری می‌دهد و یا به عبارت دیگر همین آیه، امید آن هست که جزء رستگاران باشد یا به عبارت قانونی جزء افرادی باشد که عفو و یا تخفیف شامل حال او شود. بر اساس آیه مزبور شخصی که نماز را ضایع نموده و از شهوات پیروی نموده، با توبه و ایمان و عمل صالح در مجازات وی تخفیف صورت گرفته و توبه او پذیرفته می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۶ق: ۱۴۵).

۲-۱-۴) لزوم اثبات توبه نزد قاضی

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (التحریم: ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند. براساس آیه مزبور، در حق الله اگر توبه‌ای فرد خالص باشد، خداوند آن

را می‌پذیرد و موجب کاهش مجازات دنیوی مجرم یا محو آن می‌شود. اما در حق الناس توبه مجرم تابع قوانین شرعی استنباط شده از منابع فقهی است، از این آیه برمی‌آید که توبه مجرم باید در نزد قاضی به اثبات برسد یا به تعبیری نصح بودن توبه برای قاضی مشخص شود؛ حال پرسش این است که قاضی چگونه می‌تواند توبه وی را احراز کند؟ فقها از اصلی موسوم به «مالا یعلم الا من قبله» بحث نموده‌اند که به موجب آن، هرگاه فردی اظهاراتی یا ادعای حقی کند، اگر در بخشی از اظهارات وی مطالبه دلیل میسر نباشد و یا آن که مطالبه دلیل موجب عسر و حرج او شود، در این گونه موارد به اظهارات وی ترتیب اثر داده می‌شود (آشتیانی، ۱۴۲۵ق: ۱۴۳/۱). قاعده مزبور جزء اصول عملیه است، نه ادله اثبات دعوا، در نتیجه، توان منازعه با دلایل و امارات را ندارد. زیرا اصول عملیه در جایی به کار می‌رود که هیچ کدام از این‌ها تکلیف را مشخص نکند و تنها برای رفع تحیر و بلا تکلیفی به این اصول روی آورده می‌شود. این پدیده حقوقی از مختصات نظام حقوقی اسلام است. در جایی که قاعده «مالا یعلم الا من قبله» جریان پیدا می‌کند، تکلیف کار به وسیله آن مشخص می‌شود و نیازی نیست که استناد به اصالة الصحه گردد. این از مواردی است که نمی‌توان بر آن مطالبه دلیل نمود؛ زیرا از فرد تائب انتظار آن نمی‌رود که در هنگام توبه دلیل اثبات آن را مهیا کند؛ چرا که مطالبه دلیل موجب عسر و حرج بر او می‌گردد، از همین رو ادعای وی پذیرفته می‌شود، اگر چه حاکم در توبه کردن او تردید داشته باشد؛ زیرا از تائب نمی‌توان طلب دلیل در جهت رفع تردید کرد، مگر اینکه قاضی یقین به کذب او داشته باشد. به نظر می‌رسد که تصمیم به آمدن مجرم نزد امام و اعتراف نزد ایشان به جرمش شرط ضروری توبه نباشد، اظهار توبه نزد دیگران نیز از شرایط ضروری توبه نیست، بلکه اگر شخص آشکارا جرمی انجام داده، باید توبه خویش را اظهار نموده و به مردم اعلام کند که آنچه انجام داده کار قبیحی بوده است، اما اگر فرد در خفا معصیتی را مرتکب شده باشد، توبه وی در خفا کافی است. این امر را می‌توان از آیه «لَا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنَّا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۱۶۰) نتیجه گرفت، زیرا بر اساس یکی از تفاسیر، «بینوا» به معنای آشکار کردن می‌باشد.

۲-۱-۵) محدوده زمانی پذیرش توبه

محدوده زمانی پذیرش توبه فرد بین خود و خدایش از جمله موضوعاتی است که می‌توان درباره آن به آیات زیر اشاره کرد: «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۸) و اما افرادی که همچنان به کار زشت خود ادامه می‌دهند تا مرگشان فرا رسد، آن وقت می‌گویند: اکنون توبه کردم برای چنین مردمی بازگشتن نیست و نیز برای کسانی که در حال کفر می‌میرند، که ما برای آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم. با توجه به آیه یاد شده پذیرش توبه فرد بین خودش و خدایش مشروط به عدم حضور مرگ است، مجلسی در این باره گفته است: «مراد از وقت حضور مرگ آن است که بنده ملک الموت را به بیدار یا بهشت یا دوزخ را در وقت مردن به او نمایند در آن وقت توبه مقبول و صحیح نیست» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۰/۲). از جملات مجلسی برمی‌آید که حضور مرگ دو تفسیر دارد که عبارتند از: ۱- دیدن مرگ یا ملک الموت. ۲- مشاهده بهشت و دوزخ. تفسیر دوم با روایاتی که حضور موت را به معنای مشاهده آخرت دانسته‌اند (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۵/۱)، همخوانی دارد، تفسیر نخست حضور موت، با برخی از روایات که حتی پذیرش آن در هنگام مرگ را ممکن می‌دانند، همخوانی ندارد، چنان که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «هر کس یکسال پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، هر کس یک ماه پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، هر کس یک روز پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، هر کس یک ساعت پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، هر کس توبه کند در حالی که جانش به اینجا رسیده (با دست خود به گلویشان اشاره فرمودند)، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۷۹/۱). از همین روی حسن ظن داشتن به خدا در هر حال مستحب دانسته شده و اشاره گردیده که در هنگام مرگ حسن ظن به خدا نسبت به پذیرش توبه استحباب بیشتری دارد (شهید اول، ۱۴۱۹ق: ۱/۲۹۴).

۲-۱-۶) پذیرش توبه منوط به عدم اصرار بر جرم یا گناه

پذیرش توبه مجرم و گناهکار مشروط به آن است که بر جرم یا گناه مداومت نداشته باشد، در این مورد می‌توان به آیه زیر استناد کرد: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۵) نیکان آنها هستند که هر گاه کار ناشایسته از ایشان سر زند یا ظلمی به نفس خویش کنند خدا را به یاد آرند و از گناه خود به درگاه خدا توبه و استغفار کنند (که می‌دانند) که هیچ کس جز خدا نمی‌تواند گناه خلق را ببامزد و آنها هستند که اصرار در کار زشت نکنند چون به زشتی معصیت آگاهند. نکته یاد شده می‌تواند از «همین‌ها هستند که اصرار بر گناه نمی‌کنند چون بر معصیت آن آگاه‌اند» مستفاد باشد، توبه را از اشخاصی می‌پذیرند که در جرم تکرار ندارند. منظور از اصرار بر گناه مداومت داشتن بر انجام گناه و یا تصمیم بازگشت به گناه می‌باشد (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق: ۲۵۲/۱۵). این تفسیر از اصرار با آنچه در معنای لغوی اصرار بیان شده (زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق: ۷/۹۰) همخوانی دارد. اما بر اساس روایتی از امام باقر (ع) در تفسیر آیه مزبور اصرار آن است که آدمی گناهی مرتکب شود و استغفار نکند و نفس خود را برای توبه از آن گناه آماده نسازد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۵/۳۳۸).

۲-۱-۷) لزوم پیشگیری از وقوع جرم

در این باره می‌توان به آیه زیر اشاره نمود: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (شوری: ۲۵) و هموست خدایی که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از گناهان عفو می‌فرماید و به آنچه می‌کنید دانا است. براساس این آیه قانون حاکم بر جامعه باید همیشه ناظر و مانع بر وقوع جرم باشد

۲-۱-۸) لزوم توبه به خاطر ضرر به خود

در این باره می‌توان به آیه زیر استناد کرد: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۱۰) و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد سپس از خدا آمرزش بخواهد خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت. براساس این آیه ضرر رساندن به هر نحو و به هر کس و هر چیزی، اعم از خود، دیگران، حیوانات و جمادات حرام می‌باشد (شیرازی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۱۵۴).

بررسی و نظر

عمل سوء و ظلم به خود با توجه لزوم استغفار که آیه از آن سخن می‌گوید، حرام هستند، با این وجود برداشت حرمت ضرر رساندن به خود از آیه در صورتی منطقی است که همان‌طور که برخی از مفسران تصریح نموده‌اند، عمل سوء را به صورت ظلم و تعدی به دیگران و ظلم را به صورت تعدی و تجاوز به خود تفسیر کنیم (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۱/۲) زیرا برخی ظلم نفس را به گناهانی، مانند سوگند دروغ تفسیر نموده و گفته‌اند که عمل سوء به معنای کاری است که موجب ناراحتی دیگران شود، برخی نیز گفته‌اند عمل سوء به معنای گناه غیر از شرک و ظلم به خود به معنای شرک می‌باشد، برخی نیز تفاسیر دیگری را برای واژه مزبور بیان داشته‌اند (اندلسی، ۱۴۳۰ق: ۵۹/۴) بدیهی است که بر اساس این نوع تفاسیر آیه به حرمت ضرر زدن به خود و در نتیجه لزوم توبه به خاطر آن دلالت ندارد.

۲-۱-۹) جهل از گناه شرط پذیرش توبه

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۷) توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند سپس به زودی توبه می‌کنند اینانند که خدا توبه شان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است. این آیه به گوشه‌ای از شرایط قبولی توبه اشاره می‌کند. از جمله آنکه: الف) گناه، از روی نادانی و بی‌توجهی به عواقب گناه باشد، نه از روی کفر و عناد. ب) زود توبه کند، پیش از آنکه گناه او را احاطه کند، یا خصلت او شود، یا قهر و عذاب الهی فرا رسد. ۱- پذیرفتن توبه‌ی واقعی، از حقوقی است که خداوند برای مردم، بر عهده‌ی خودش قرار داده است «التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ» ۲- علمی که در برابر هوس‌ها و غرائز پایدار نباشد، جهل است «يعملون... بجهالة».

۳- تا گناه زیاد نشده، توبه آسان است. در این آیه می‌خوانیم: «يعملون السوء» که مراد انجام یک گناه است، ولی در آیه‌ی بعد می‌خوانیم: «يعملون السيئات» که مراد گناهان زیاد است که توبه از آن مشکل است.

۴- خداوند، گناهکاران را به توبه‌ی فوری تشویق می‌کند. «يتوبون من قريب» ۵- سرعت در توبه، کلید قبولی آن است. «يتوبون من قريب» ۶- توبه باید واقعی باشد، اگر تظاهر به توبه کنیم خدا می‌داند. «كان الله عليماً» ۷- پذیرش عذر گناهکاران بی‌عناد، مطابق با حکمت است. «عليماً حكيماً» (قرائتی، ۱۳۸۷: ۳۷/۲).

۲-۲) توبه از منظر روایات

و عیاشی در تفسیر [خود] و کلینی در کافی، از حضرت امام باقر (ع) روایت کرده‌اند که در تفسیر قول الهی که: «وَلَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»، فرمود که: اصرار، آن است که بنده، گناهی بکند و استغفار نکند و در خاطر نگذارد توبه را. پس چنین معنی‌ای اصرار است و ظاهر، آن است که مراد از نگذرانیدن توبه در خاطر، آن باشد که عازم باشد بر آن که بار دیگر که میسر شود، ارتکاب آن گناه نماید یا آن که با وجود گذشتن معصیت در خاطر، پشیمان نباشد، نه آن که از روی غفلت، توبه در خاطرش نگذرد، چنانچه مذکور شد. (همان: ۲۵۸)

خداوند کسی را بدون توبه نمی‌میراند مگر آنکه می‌داند اگر باز هم زنده بماند ابد توبه نمی‌کند، چنان که می‌فرماید در قرآن کریم در جواب اهل جهنم که می‌گویند: رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا (فاطر/ ۳۴) پروردگارا ما را به دنیا باز گردان تا کارهای خیر انجام دهیم و عمل صالحی بجا آوریم، و لَوْ رَدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (انعام/ ۲۷) و اگر ایشان بدینا بر گردند چنان نیست که ایمان آورند و نافرمانی ننمایند بلکه بر کفر خود باقی خواهند ماند و به همان اعمال زشتی که از آن نهی شده بودند اعاده خواهند کرد و دروغ می‌گویند که دیگر کار بد نخواهیم کرد. (دیلمی، ۱۳۴۹ش: ۱ / ۱۰۸)

۲-۲-۱) احادیث مربوط به مفهوم توبه

مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد: من از گناه چگونه توبه کنم؟ فرمود: «بگو، استغفرالله گفت: من توبه می‌کنم باز (به گناه) بر می‌گردد. فرمود: هر بار که گناه کردی بگو: استغفر الله. گفت: در این صورت گناهم زیاد شود؟ فرمود: گذشت خدا زیادت‌تر است، تو همواره توبه

کن تا شیطان طرد شود» (حرعاملی، ۱۳۶۴: ۳۶۱). مطابق این حدیث یکی از شرایط توبه اصرار بر توبه است به این معنی که گرچه خاطی و عاصی گناهکار است اما از رحمت و بخشایش خدا ناامید نشده و دائم توبه نماید چرا که خداوند در تمام صفات خود از جمله رحمت و غفران به نهایت است که قابل وصف نباشد. پیامبر (ص): «پشیمان شدن چون توبه کردن است و هر که از گناه توبه کند چنانست که گناه نداشته است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۹۰). در این حدیث پشیمانی از گناه همانند توبه دانسته شده اما پشیمانی که منجر به توبه شود نه پشیمانی که به خاطر ضرر عمل به شخص وارد شده است بلکه پشیمانی ناشی از سرپیچی از فرامین الهی است. معاذ بن جبل از پیامبر (ص) مفهوم توبه نصوح را پرسش کرده، ایشان در پاسخ فرموده‌اند: "ان یتوب التائب ثم لا یرجع فی ذنب کما لا یعود اللبّن الی الضرع". «آن است که شخص توبه کننده به هیچ وجه بازگشت به گناه نکند آن چنانکه شیر به پستان هرگز باز نمی‌گردد» (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ۴۷۷/۱۰). شرایط توبه‌ی خالص را در این حدیث می‌بینیم: (الف) توبه، (ب) عدم بازگشت به گناه به صورت دائمی. امام علی (ع): «ثمره توبه جبران کردن تقصیرهای گذشته است» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۲۱/۲۰۸). نتیجه‌ی توبه این است که تقصیرهای گذشته شامل حقوق ضایع شده همچون حق الناس، حق الله، حق النفس و حقوق مربوط به محیط اطراف و موجودات دیگر را جبران نماید اگر نماز یا روزه‌ای فوت شده قضا نموده حقی بر ذمه دارد ادا نماید. امام علی (ع): «توبه پشیمانی دل است و طلب آموزش به زبان و ترک کردن گناه و تصمیم به عدم بازگشت به گناه» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۲۱/۲۰۸). این حدیث بسیار زیبا بیان‌کننده‌ی همه‌ی ویژگی‌های توبه است و ترتیب در آن بیانگر مراحل توبه می‌باشد در ابتدا باید شخص عمیقاً از خطا و معصیت خودش پشیمان باشد این پشیمانی را باید با اظهار توبه بوسیله‌ی زبان عمل اثبات نموده و با ترک کردن گناه به این نتیجه برسد که بتواند تصمیم بگیرد دیگر به گناه نیافتد. امام باقر (ع): «یکی از گفته‌های مکرر پیامبر خدا (ص) این بود: «الندامة توبة: پشیمانی توبه است» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۱/۷۴۳). امام باقر (ع) فرمود: «خداوند دو چیز از مردم خواسته است نخست اینکه نعمت او را سپاس گویند تا نعمت آنها افزوده شود، دوم اینکه از گناهان توبه کنند تا گناهان مورد عفو قرار گیرند» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۱۰۱). امام صادق (ع): «هر چه از مقدار قناعت کاسته شود، بر مقدار میل و هوس افزوده خواهد شد. آزمندی و تمایل به دنیا ریشه هر شر است و دارنده این صفات جز به توبه از آنها (و ترک آنها)، نمی‌تواند از آتش رهایی پیدا کند» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴/۶۱). امام صادق (ع) فرمود: «هر کس که در هر روز صد مرتبه «استغفر الله» بگوید خداوند هفتصد گناه او را می‌آمرزد و بنده‌ای که در روز مرتکب هفتصد گناه شود خیری در او نیست» (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۳۳۷). امام صادق (ع) فرمود: «اگر سارق خودش به سوی خدا بازگردد و توبه کند و آنچه سرقت کرده به صاحبش بازگرداند، قطع دست بر او نیست» (بروجردی، ۱۳۸۶ق: ۳۰/۹۸۳). امام صادق (ع) فرمودند: «هر گاه جان به حلق رسد توبه عالم مقبول نیست یعنی در آن وقت عالم می‌شود یا اگر عالم شود که امور آخرت را به بند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۲/۱۵۱). امام کاظم (ع): «هر کس هر روز «محاسبه نفس» نکند (و از خود برای کارهایی که در آن روز کرده است حساب نکشد)، تا اگر کار نیکی کرده است بر آن بیفزاید و اگر کار بدی کرده است به درگاه خدا استغفار و توبه کند، از ما (و اهل ولایت ما و پیرو ما) نیست» (همان، ۲۱۶).

۲-۲-۲) احادیث مربوط به پذیرش توبه

خداوند از توبه توبه گذار بیشتر از تشنه‌ای که به آب در آید و عقیمی که بزاید و گم کرده‌ای که بیابد خوشحال می‌شود هر کس بخدا از روی خلوص توبه برد، خداوند خطاها و گناهان وی را از یاد دو فرشته نگهبان و اعضای وی و همه نقاط زمین ببرد (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۰). خداوند از توبه بنده خویش بیش از عقیمی که بزاید و گم کرده‌ای که بیابد و تشنه‌ای بآب درآید خرسند است (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۰). اگر آنقدر خطا کنید که خطاهایتان به آسمان برسد و سپس توبه کنید خدا توبه شما را می‌پذیرد (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۴۴). هر که زنا کند ایمانش برود و اگر توبه کند خدا توبه او بپذیرد (همان، ۷۶۶). فرمود رسول الله (ص): «با کرد الله تعالی برای صاحب بدعت، توفیق توبه را» (قزوینی، ۱۳۸۷: ۱/۴۰۵). خداوند به حضرت ابراهیم (ع) وحی فرمود: «بندگان من سه دسته هستند: یا آنکه پس از ارتکاب گناه به من توبه می‌کنند. پس من آنها را می‌بخشم و عیب‌هایشان را می‌پوشانم و یا این که اگر توبه هم نکردند، من به آنها عذاب نمی‌دهم (یعنی در دنیا آنها را دچار عذاب نمی‌کنم). چون می‌دانم که بزودی از نسل آنها فرزندان مؤمن بوجود خواهند آمد. لذا به پدران کافر و مادران کافر آنها ارفاق می‌کنم و از آنها عذاب خود را برمی‌دارم تا مؤمنان از صلب آنها خارج شوند. بعد هم در آخرت آنها را عذاب می‌دهم. چون عذابی که من در آخرت به آنها می‌دهم، شدیدتر از آن عذابی است که تو برای آنان می‌خواهی. چون عذاب من بر بندگانم بر حسب جلال و عظمت من است ای ابراهیم، پس از میان من و بندگانم بیرون برو. چون من بر آنها رحیم‌تر از تو هستم. برای این که من خداوند جبار و حلیم و بسیار داننده و حکیم هستم، که با علم خود امور آنها را تدبیر می‌کنم و قضا و قدر خود را در میان آنان نفوذ می‌دهم» (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۴۲). روایت شده است که: «زنی زیور آلاتی را سرقت کرد. او را نزد پیامبر (ص) آوردند. او گفت: ای رسول خدا، آیا برای من توبه‌ای هست؟ پس از آن خداوند فرو فرستاد که: پس هر کس که بعد از ستم کردن، توبه و جبران کند، خداوند توبه او را می‌پذیرد» (بروجردی، ۱۳۸۶ق: ۳۰/۹۲۷). امام علی (ع): «هیچ گناهکاری را نومید مکن، که بسیاری از گناهکاران حرفه‌ای عاقبت به خیر شده‌اند و بسیاری از نیکوکاران حرفه‌ای، در پایان عمر کارشان به فساد کشیده است» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۲۱/۲۰۸). امام علی (ع): «هر که را

چهار چیز دادند از چهار دیگرش دریغ ندارند: هر کس توفیق دعا یافت از اجابت محروم نیست و هر که توفیق توبه یافت از پذیرش محروم نیست و هر کس توفیق پوزش و طلب آمرزش یافت از آمرزش محروم نیست و هر کس به سپاس نعمت پرداخت از فزونی نعمت محروم نیست» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق: ۲۱ / ۲۰۸). کافی به سندش از امام باقر (ع) فرمود: «کسی نباشد که ستمی کند جز خدایش بدان در جان یا مالش بگیرد مگر ستم میان خودش و خدا که چون توبه کند او را بیامرزد» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲ / ۲۰۷).

۳) اقسام توبه

توبه تقسیم بندی‌های گوناگونی دارد، که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۳-۱) توبه باطنی

پشیمانی از گناه را توبه باطنی گویند. به عبارت دیگر این نوع توبه که در مقابل توبه حکمی قرار دارد، عبارت است از ندامت از گناه، همراه با عزم بر ترک آن در آینده؛ از این رو توبه باطنی (توبه قلبی)، توبه بین بنده و خدای خویش است. برخی از فقهای متقدم به مناسبت بحث قذف و توبه قاذف، به توبه و تقسیم آن به باطنی و حکمی اشاره کرده و گفته‌اند: «در توبه باطنی، خروج از توابع و پیامدهای معصیت انجام گرفته واجب است» (طوسی، ۱۳۷۸ ق: ۸ / ۱۷۹-۱۷۸).

۳-۲) توبه حکمی

اظهار توبه را توبه حکمی گویند. این نوع توبه در مقابل توبه باطنی قرار دارد و به سبب آن، به عدالت تائب و پذیرش شهادت وی حکم می‌شود. توبه حکمی ناظر به اثبات و اظهار آن نزد دیگران است؛ در حالی که توبه باطنی، توبه قلبی است. در توبه حکمی، گناهی که از آن توبه می‌شود یا از سنخ افعال است، مانند زنا، لواط و غضب و یا از سنخ گفتار، مانند کلامی که موجب ارتداد یا قذف گردد. توبه از گناه نوع اول، به اصلاح عملکرد گذشته خویش نزد مردم است و از گناه نوع دوم، اگر گفتار، کفرآمیز باشد، به اظهار اسلام یعنی شهادت به یکتایی خداوند و نبوت پیامبر (ص) و اظهار برائت از هر آیین مخالف اسلام است و اگر گناه، قذف باشد توبه حکمی آن به این است که خود را تکذیب کند (طوسی، ۱۳۷۸ ق: ۸ / ۱۷۹-۱۷۸).

۳-۳) توبه کاذب

آن است که به زبان می‌گوید، استغفر الله و به دل خبر ندارد و از صمیم قلب نیست و اظهار ندامت و پشیمانی نمی‌کند و گریه و زاری نمی‌نماید، صاحب این چنین توبه، از سلک توبه‌کاران بیرون است و خلاصی از جهنم ندارد. توبه را مثل بهلول نباش باید کرد (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ۴۸۷).

۳-۴) توبه مبعضه

در این که آیا توبه بایستی بر جمیع گناهان و قبایح باشد و یا این که می‌توان تنها از بعضی گناهان توبه کرد و چنین توبه‌ای، یعنی توبه مبعضه صحیح است یا خیر، اختلاف است. ابوهاشم معتزلی و جماعتی بر آن رفته‌اند که توبه مبعضه صحیح نتواند بود و ابوعلی و جماعتی دیگر بر جواز و صحت آن مایل گشته‌اند. قایلین به عدم جواز، حجت آورده‌اند که سبب توبه و پشیمانی، قبح فعل است و اگر جز این باشد، توبه محقق نشود و از طرفی، این قبح در همه گناهان متحقق است و در همگی حاصل پس چنانچه از پاره‌ای گناهان توبه کند و پاره‌ای دیگر را به حال خود رها کند، معلوم می‌شود که توبه تائب به سبب قبح فعل نبوده است؛ چه اشتراک در علت، اشتراک در معلول را موجب است و چون در توبه، تبعیض راه یابد، توبه نیز منتفی گردد، چرا که علت حصول چنین توبه‌ای قبح فعل نبوده، بلکه امری دیگر است که در این فعل بوده و در فعل دیگر نه (حسن زاده عاملی، بی‌تا: ۱۰).

۳-۵) توبه مجمله

قاضی القضاة معتزلی معتقد است که بر شخص لازم است در صورتی که گناهان خود را به تفصیل می‌داند، از یک یک آنها به طور تفصیلی توبه کند و چنانچه بعضی را به شکل تفصیلی و بعضی دیگر را به اجمال می‌داند، باید از گناهان دسته اول به تفصیل توبه کند و از گناهان دسته دوم به اجمال. علامه بهائی فرماید: اما توبه مجمله... محقق طوسی درباره آن، حکمی ننموده است و البته حکم به صحت آن بعید نیست؛ چه دلیلی بر وجود شرط تفصیل موجود نیست. علامه حسن زاده آملی گوید: شاید شیخ بهائی توقف محقق طوسی در این حکم را از کتاب تجرید استفادت برده است؛ در آن جا که محقق طوسی می‌گوید: در این که تفصیل را در صورت عالم بودن شخص به گناهانش،

واجب بدانیم، اشکال است. بدین صورت که در مساله مورد بحث رای صادر ننموده و تعبیر به کلمه اشکال برده است. علامه حلی در شرحش بر کتاب تجرید؛ پس از ذکر مذهب قاضی القضاة در این مساله، می‌فرماید: مصنف (محقق طوسی) به وجوب تفصیل در جایی که گناهان در خاطر شخص، مذکور باشند اشکال وارد کرده است، چه اجتزاء، به پشیمانی بر هم عمل قبیحی که از شخص صادر شده ممکن است؛ اگر چه به طور تفصیل بدانها متذکر نباشد و رای صواب، صحت توبه مجمله است و قول به اشتراط تفصیل، بس موهون است (حسن زاده عاملی، بی تا: ۱۳). علما، در توبه مُبْعَضَه (یعنی آن که از بعضی معاصی توبه کند)، اختلاف نموده‌اند و شاید که صحیح بودنش ظاهرتر باشد و همچنین در توبه مجمله که معاصی را به تفصیل، ذکر نکند و دلیلی بر آن که تفصیل معاصی شرط باشد، ظاهر نیست و غسل توبه در توبه کفر و کبائر و صغائر، موافق مشهور میان علما، سنت است و توبه، واجب فوری است؛ یعنی بعد از معصیت، بی فاصله، واجب می‌شود؛ اما اگر کسی تأخیر کند، در هر وقت که به جا آورد، قبول می‌شود، مادام که احوال آخرت را یا حضرت پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را در وقت مُردن نبیند، و بعد از معاینه، توبه قبول نیست (گلستانه، ۱۳۸۷: ۴۳۶).

۴) توبه از دیدگاه حقوق جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱۱۴- در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است. تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود. با توجه به ماده ۱۱۴ قانون مجازات‌های اسلامی، در جرایم مستوجب حد، مانند: زنا، لواط، قذف، سب‌النبی، شرب خمر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی‌الارض و... اگر مجرم پیش از اثبات جرمش توبه کند، حد از او ساقط می‌شود؛ اما توبه مجرم پس از اثبات جرمش فاقد اثر بوده و مانع از اجرای حد نمی‌شود.

در خصوص موضوع عفو و گذشت مندرج در ماده "۱۱۴" قانون مجازات اسلامی باید گفت، در صورتی که جرایم مستوجب حد غیر از قذف، با اقرار ثابت شده باشد، نه با شهادت، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو او را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست کند. در اینجا بحث عفو مطرح است، نه توبه. در حقیقت در این موارد، مجازات ساقط نمی‌شود ولی از باب عفو، مجازات منتفی و مرتفع می‌شود.

ماده ۱۱۵- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. مجازات‌های تعزیری، مجازات‌هایی هستند که توسط شارع تعیین نشده و اختیار تعیین آن با توجه به شرایط زمان و مکان، به حاکم اسلامی داده شده است. در مجازات‌های تعزیری درجه ۵ تا درجه ۱ یعنی مجازات‌های حبس بالای دو سال تا حبس ابد و همچنین مجازات‌های موجب سلب حیات یا شلاق سنگین یا انفصال دائم از خدمات دولتی، توبه مجرم از جرم، موجب اعمال مقررات تخفیف در مجازات خواهد بود. البته دادگاه اجباری برای اعمال تخفیف ندارد و در صورتی که با ملاحظه وضع متهم، توبه وی را موثر بداند، می‌تواند در مجازات وی تخفیف قائل شود. در مجازات‌های تعزیری درجه ۶ تا درجه ۸ که مجازات‌های سبک‌تری هستند؛ در صورت توبه مجرم، توبه موجب سقوط مجازات مجرم خواهد بود. در این مورد، دادگاه با احراز توبه مجرم، باید مجازات فرد را ساقط کند. البته در دو مورد، در مجازات‌های تعزیری، مقررات توبه اعمال نخواهد شد. یکی اینکه اگر فرد مشمول مقررات تکرار جرم شده باشد، دیگر توبه وی پذیرفته نیست و دیگری هم اینکه در تعزیرات منصوص شرعی، یعنی تعزیراتی که در شرع به آنها اشاره شده، مقررات توبه اعمال نخواهد شد. تعزیرات منصوص شرعی، آن دسته از جرایمی است که نصوص شرعی بر قابل تعزیر بودن و تعیین مجازات مرتکبین آنها وجود دارد، بدون اینکه این جرایم در زمره حدود شمرده شده باشند. یکی از تعزیرات منصوص شرعی در خصوص مجازات شهادت دروغ است که در زمره حدود ذکر نشده ولی بر تشهیر شخصی که به دروغ شهادت می‌دهد، تاکید شده است. تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۲)، (۹۳) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود. ماده "۱۱۵" قانون مجازات اسلامی می‌گوید: در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، چنانچه مرتکب توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال کند. بر اساس این ماده در جرایم تعزیری درجه ۶ به بالا، اگر فرد توبه کند، مجازاتش ساقط می‌شود اما در جرایم تعزیری درجه یک تا ۵، اگر فرد توبه کند، مجازاتش تخفیف پیدا خواهد کرد در قانون مجازات‌های اسلامی در خصوص محکومیت‌های مالی یا غیر عمد تصادفات و مسائل دیگر آمده که

قانون‌گذار می‌تواند توبه این افراد را بپذیرد و عفو شامل آن‌ها شود یا حبس آن‌ها را به جزای نقدی تبدیل نماید. اما مواردی، مانند دیه و قصاص با توبه ساقط نمی‌شوند. در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۱۵ تبصره ۱ اشاره شده که مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. در این باب قانون پیشگیری از وقوع جرم در ماده ۱ می‌گوید: پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.

ماده ۱۱۶- دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد. پس حدود، دیات و قصاص که مربوط به حق الناس می‌باشند با توبه ساقط نخواهند شد.

ماده ۱۱۷- در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود. در بررسی آیات نیز درباره‌ی لزوم اثبات و احراز توبه نزد قاضی مطالبی را متذکر شدیم.

ماده ۱۱۸- متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.

ماده ۱۱۹- چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.

ماده ۲۱۹- دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.

ماده ۱۳ آئین دادرسی کیفری - تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف - فوت متهم یا محکوم علیه ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت پ - شمول عفو ت - نسخ مجازات قانونی ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون چ - اعتبار امر مختوم

نتیجه

از آنچه که گفته شد می‌توان به نتایج زیر رسید

۱- توجه علوم مختلف، هم‌چون علم کلام، علم اخلاق، علم فقه و... به توبه نشانگر اهمیت توبه و اهتمام همه آنها به تغییر رفتار گناهکار و مجرم می‌باشد، از همین رو محدود نمودن آیات توبه به علم خاصی و برداشت‌های کلامی و اخلاقی و ... درست نیست.

۲- به لحاظ فقهی علی‌رغم آن که توبه در حقوق الله و حقوق الناس شباهت زیادی دارند، اما از نظر شرایط پذیرش و... تفاوت‌هایی با هم دارند.

۳- آیات توبه نشان می‌دهند که همان‌گونه که توبه در مقابل گناه و جرم صورت گرفته اهمیت داشته و ترک گناه و جرم و تصمیم به عدم بازگشت به آنها ضروری می‌باشد، شناسایی جرم و پیشگیری از آن نیز اهمیت دارد، بدیهی است که در فرض پیشگیری از جرم و گناه نوبت به مجازات نمی‌رسد.

۴- علی‌رغم آن که ظاهر برخی از آیات و روایات، برای توبه محدودیت زمانی تا هنگام مرگ را بیان می‌کنند، اما حسن ظن داشتن به خداوند در مورد پذیرش توبه در هر حال، بویژه در هنگام مرگ مستحب دانسته شده است، این امر نشانگر اهمیت توبه فرد بین خودش و خدایش می‌باشد.

۵- همان‌گونه که توبه در جلوگیری از مجازات نقش بسزا دارد، موجب تخفیف و کاهش مجازات نیز می‌شود.

۶- از جمله اهداف اعمال مجازات در نظام‌های کیفری، اصلاح مجدد مجرم است، از همین رو در میزان، نوع و کیفیت مجازات باید به موضوع اصلاح مجرم توجه شود تا وی علاوه بر اصلاح، جامعه‌پذیر گردد. شارع مقدس به موضوع مجازات به قصد انتقام‌جویی نگاه نکرده و تنها آن را وسیله‌ای برای تربیت و درمان مجرم به شمار آورده و ساقط کردن مجازات از مجرم را بر اجرای آن ارجح دانسته است، از همین رو به موجب آیاتی که به آنها اشاره رفت، عفو و پذیرش توبه بر مجازات رجحان دارند.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ ق). **معجم مقاییس اللغة**، قم: دارالکتب.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). **مجمع الفایده والبرهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۶ ق). **زبدة البیان فی أحكام القرآن**، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
- اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۳۰ ق). **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دار الفکر.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۰). **فقه پژوهی قرآنی**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ایروانی، علی بن عبدالحسین (۱۴۰۶ ق). **حاشیة المکاسب للایروانی**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشتیانی، محمد حسن (۱۴۲۵ ق). **کتاب القضاء**، قم: انتشارات زهیر کنگره علامه آشتیانی.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، تهران: دانشگاه تهران.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۲۰ ق). **غرر الحکم و درر الکلم**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). **القواعد الفقهیة**، قم: نشر الهادی.
- بحرانی، یحیی بن حسین (۱۳۸۴). **الشهاب فی الحکم والآداب**، تهران: برگ رضوان.
- بحرانی، محمد سند (۱۴۱۵ ق). **سند العروة الوثقی**، قم: انتشارات صفی.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶ ق). **منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعة)**، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بشروی خراسانی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ ق). **الوافیة فی اصول الفقه**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)**، تهران: دنیای دانش.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ ق). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). **جهاد النفس وسائل الشیعة / ترجمه صحت**، تهران: انتشارات ناس.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). **جهاد النفس وسائل الشیعة / ترجمه افراسیابی**، قم: نهاوندی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). **الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)**، تهران: انتشارات دهقان.
- حسن زاده عاملی، حسن (بی تا). **ترجمه تحقیق و اضافات ابراهیم احمدیان، توبه، بیجا**.
- حسینی همدانی نجفی، محمد (۱۳۶۳). **درخشان پر توی از اصول کافی**، قم: چاپخانه علمیه قم.
- حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰). **الحیة / ترجمه احمد آرام**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خزائی، محمد (۱۳۸۳). **احکام القرآن**، تهران: سازمان انتشارات جاوید.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ ق). **موسوعة الإمام الخوئی**، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۴۹). **إرشاد القلوب / ترجمه مستر حمی**، تهران: مصطفوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، تهران: مرتضوی.
- زبیدی واسطی حسینی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). **کنز العرفان فی فقه القرآن**، تهران: انتشارات مرتضوی.
- شلتوت، محمود (بی تا). **الاسلام عقيدة و شریعة**، بیروت: دار الشرق.
- شوشتری، سید محمد حسن مرعشی (۱۴۲۷ ق). **دیدگاه های نو در حقوق**، تهران: نشر میزان.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۲ ق). **الدروس الشرعیة**، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ق). **ذکر الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۷۷). **شرح مصباح الشریعة** / ترجمه عبدالرزاق گیلانی، تهران: پیام حق.
- شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۱۸ق). **من فقه الزهراء**، قم: نشر رشید، ۱۴۱۸ق.
- شیرازی، سید صادق حسینی (۱۴۲۶ق). **بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی**، قم: دار الأنصار.
- صادقی فدکی، سید جعفر (۱۳۹۰). «**پنج دیدگاه مطرح درباره تعداد آیات الاحکام قرآن کریم**»، فصل نامه پژوهش های فقهی، دوره ۱۲، شماره ۱.
- طباطبایی حائری، علی بن محمد (۱۴۱۸ق). **ریاض المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق). **مجمع البیان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۴). **مشکاة الأنوار** / ترجمه عطاردی، تهران: عطارد.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). **المبسوط**، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). **الفروق فی اللغة**، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- قزائتی، محسن (۱۳۸۷). **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- قزواوی، یوسف (۱۴۱۷ق). **الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة**، کویت: دار العلم.
- قزوینی، ملا خلیل بن غازی. (۱۳۸۷). **صافی در شرح کافی** (ملا خلیل قزوینی)، ایران، قم: دار الحدیث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). **اصول کافی**، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
- کولسون، ن. ج. (۱۴۱۲ق). **فی التاریخ التشریع الاسلامی**، ترجمه محمد احمد سراج، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و التوزیع.
- گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۰۵ق). **کتاب الشهادات للگلپایگانی**، تقریر سید علی حسینی، قم.
- گلستانه، سید علاء الدین محمد. (۱۳۸۷). **منهج الیقین** (شرح نامه امام صادق علیه السلام به شیعیان)، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق). **لوامع صاحبقرانی**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴). **آداب معاشرت** (ترجمه جلد ۷۱ و ۷۲ بحار الأنوار)، تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۱۴ق). **لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میبدی، محمد فاکر (۱۳۸۶). **باز پژوهی آیات فقهی قرآن**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق). **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)**، تهران: مكتبة الإسلامية.